

نیم نگاهی به یک کتاب

تجربه ای ایرانی - آمریکایی

نوشته سعید قهرمانی، انتشارات هرمس، ۱۳۹۳

مسعود آربین نژاد*



«تجربه ای ایرانی - آمریکایی» یا در واقع «تجربه یک ایرانی از یک دنیای آمریکایی» نام مجموعه داستان واره های کوتاهی برگرفته از مشاهدات و تجربه های سعید قهرمانی در دوران طولانی زندگی در غربت و دوران طولانی تلاش برای آمیزش، فهم و سازگاری با محیط فرهنگی اجتماعی و شغلی آمریکاست. آنچه که ممکن است این کتاب را برای خواننده خبرنامه انجمن ریاضی ایران جالب و حتی برانگیزاننده و الهام بخش سازد آن است که نویسنده آن یک ریاضی دان خوب و موفق ایرانی ساکن آمریکاست. البته منظور از «خواننده خبرنامه»، ایرانی بودن خوانندگان نیست (این نسبت ربطی به خبرنامه ندارد و مستقل از خبرنامه و مستقل از جامعه ریاضی برای هر خواننده ایرانی علاقه مند به این سبک از نوشتگان یعنی «غرب نگاری» که حوزه ای در سبک های خاطره نویسی ادبی است این کتاب هم می تواند نوشته خواندنی و جالبی باشد). منظور این اشاره، نسبت خوانندگان خبرنامه با ریاضیات و ریاضی پیشگی است یعنی درست همان نسبتی که سعید قهرمانی هم در آن سوی آبها و به هنگام جمع آوری و نگارش این نوشته ها با ریاضیات به عنوان یک حرفه و تخصص داشته و دارد. منظور، توجه به این نکته است که این ذوق و سلیقه ادبی و هنری، از یک ریاضی دان موفق در کار و زندگی علمی برخاسته است. اما منظور از «جالب و برانگیزاننده بودن» هم جالب و آموختنی بودن خاطرات یک دانشمند ایرانی از تجربه معاشرت و همزیستی در محیط های علمی خارج از کشور نیست منظور، فقط توجه و تأمل در نوع تعلق خاطر جدی یک ریاضی دان به حوزه عمومی فرهنگ است چیزی که ما در بین علم اندیشان و علم پیشگان ملی خود و به ویژه در بین ریاضی پیشگان درون سرزمینی کشور بسیار کم سراغ داریم. سعید قهرمانی هر چند که سال های طولانی است که در غربت زندگی می کند (بعد از

حدود ۴۰ سال رحل اقامت، شاید دیگر غربت چندانی هم مطرح نباشد) اما این موجب نگشت تا ارتباطش را با گستره بزرگ و پهنای و تاریخی فرهنگ ملی خود یعنی آنچه را که خواه ناخواه همدم و عقبه روحی و روانی هر انسانی است و آنچه را که مهد و بستر اصلی پرورش علم و فرهیختگی های فردی و جمعی هر ملتی است قطع کند. از آن طرف، غالب علم اندیشان و ریاضی پیشگان جامعه ما رابطه چندانی با مفاهیم مستقل فرهنگی و پیوست های متنوع هنری و اندیشگی و روحی آن ندارند و همین هم موجب آن است که فضای روانی و معاشرتی بسیاری از محیط های علمی ما پیوندها و محتوای معنوی چندانی مستقل از رابطه های اغلب ضعیف شغلی و حرفه ای نداشته باشد و جز بحث ها و مشاجره های رایجی بر سر ساعات موظفی و حق التدریسی و سهم دانشجو و سهم مقاله و سرفصل و برنامه درسی و یا تفخیرها و رقابت های علمی گاهی پر تنش، صدای گرم و روشنی از جذابیت های وسیع انسانی و فرهنگی در این محیط ها شنیده نشود. واقعیت این است که انجمن ریاضی ایران به عنوان یک نهاد علمی آزاد با گستره عریضی از فعالیت های اجتماعی به این جنبه از زندگی و مناسبات علمی اهمیت می دهد و آن را برای تقویت غنای زندگی دانشورانه و دانشگاهی بسیار مهم و مؤثر لازم می داند. از این رو خبرنامه انجمن، بهانه معرفی این کتاب را فرصت و بهانه ای برای دعوت آشکارتر از جامعه ریاضی دانشگاهی به ارتباط و انس و پیوند بیشتر با فرهنگ، هنر، مطالعه و نوشتن می پندارد تا نشاط کم جان حاضر در محیط های ریاضی دانشگاهی از این بخش عمومی فرهنگ و فرهنگ علمی هم انرژی و اثری بگیرد و به سهم خود و به طور متقابل، انرژی و اثری وام دهد.

یک دریغ!

شاید بد نباشد که از جانب یک ریاضی کار، یک دریغ و حسرت نیز از فرصت خواندن این کتاب گفته شود. با شناخت دورادوری که از موفقیت های خوب علمی و مدیریتی سعید قهرمانی در دانشگاه های آمریکا در دسترس است و ایشان به ویژه با دو کتاب آشنای خود در ایران (یکی به نام نویسنده^{۲۱} و یکی به نام برگردان^{۲۲}) ریاضی دان ناآشنایی در داخل کشور نیست یک گمان و انتظار اولیه هر خواننده اهل ریاضی از مطالعه این کتاب کسب اطلاعات و تجربیاتی از فرایندهای معمول و متعارف و رایج شغلی و حرفه ای ریاضیات در مراکز علمی پژوهشی و دانشگاهی آمریکاست. ریاضی کار ایرانی در مرتبه نخست در این کتاب در جستجوی نوعی از ریز

۲۱. میانی احتمالات و فرایندهای تصادفی، سعید قهرمانی، ترجمه غلامحسین شاهکار و ابوالقاسم بزرگ نیا، انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف، چاپ سوم، ۱۳۸۳.
۲۲. گفت و شنودهایی در ریاضیات، آلفرد رینی، ترجمه سعید قهرمانی، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۳.

با تأسیس مدرسه دارالفنون و دعوت و به‌کارگیری حساب شده دانشمندان فرنگی در پیش گرفت. پهلوی‌ها از ابتدا رویکرد اعزام دانشجو به خارج و دعوت مستشاری از کارشناسان و دانشمندان خارجی را (البته با افراط و تفریط ملّتمز به وابستگی‌های غیر ملی خود) در پیش گرفتند. در دوران معاصر، روش غالب، خروج کامل استادان غربی از دانشگاه‌ها با تأکید بر سنت اعزام دانشجو در پیش بود. همه این‌ها در مجموع، تلاش‌هایی برای انتقال روش‌مند علم و فناوری به کشور بودند و هستند و البته ارزیابی آورده‌ها و خطاهای تجربه هریک میدان گفتگو و جدل خود را می‌خواهد^{۲۳}. اما به‌طور خلاصه و برای آن‌که مسیر اصلی بحث اخیر در اشاره به سعید قهرمانی و تجربه ایرانی آمریکایی وی فراموش نشود یک دیدگاه قابل دفاع در وادی این پرسش و چالش تاریخی، به زبان و بیان احوال امروزمین ما این است که ما (یعنی همه ما در کلیت علمی و حتی اجتماعی خود) به غیر از دسترسی به متون و منابع اصلی علمی (و هم مستقل از تولید ملی متون و منابع علمی در حدی که انجام می‌دهیم و مسیر و معیارهای خود را دارد)، به ارتباط مستمر و عمیق و بلاواسطه‌ای هم با دانشمندان و نهادهای علمی جوامع توسعه یافته نیاز داریم تا در کنار انتقال و همکاری مستقیم در تولید و فهم و کاربست علم و فناوری‌های نوین، فرهنگ و آداب و دانشوری و دانشگری را نیز به تجربه عینی و بی‌واسطه موعظه و دستورالعمل و آیین‌نامه بیاموزیم و به کار بندیم. حال این گمان که کتاب «تجربه‌ای ایرانی - آمریکایی» شاید حاوی تجربیاتی از آن‌گونه، از جانب یک ریاضی‌دان ایرانی کارآموده و تجربه آموخته در جوامع علمی پیشرفته باشد یک انتظار مقدم برای هر ریاضی پیشه‌ای در مواجهه نخست با این کتاب است. اما دریغ که چنین انتظاری هیچ برآورد نمی‌شود. شاید هم که انتظار سهمی از چنین انتقال فرهنگی از طریق دانش‌پیشه‌هایی چون سعید قهرمانی خیلی موجه نباشد.

در میدان بزرگ این بازی

اصولاً این پرسش مهمی است که در این فرصت، خوب است به روشنی ثبت شود و بسط یابد: «دانش‌پیشگان ایرانی شاغل و موفق در مدارهای علمی دنیای تمدنی برتر امروز در کجای برنامه‌ریزی‌های هدفمند ما برای انتقال و دریافت هوشیارانه عصاره‌های تجربه و دانش امروز هستند؟» پیداست که ظرفیت‌های پنهان زیادی در این زمینه مورد غفلت است و همه این‌ها در میدان بزرگ این بازی و فرصت‌های گاهی تجدیدنظیر تاریخی به حال خود رها هستند تا اگر کاری هم از این جهت صورت بگیرد صرفاً از روی ذوق و علاقه و تصادف‌هایی باشد.

^{۲۳} دانش قهرمانی، ورزش قهرمانی، مسعود آری‌نژاد، فصلنامه ترویج علم، شماره ۴، ۱۳۹۲.

گزارش‌ها، نکته بینی‌ها و واقع‌نگاری‌های مناسبات، روابط، قواعد، رویه‌ها و سنت‌های محیط‌های علمی و دانشگاهی و بین آدم‌های علمی و سازمان‌های علمی و مانند آن از درون و بطن و حتی پشت پرده‌های ظواهر جامعه آمریکاست. متأسفانه، به جز اشارات کم‌رنگی، تقریباً هیچ گزارشی از چنین نوع تجربیات و مشاهداتی در این کتاب دیده نمی‌شود. دلیلش شاید این باشد که فردی مثل سعید قهرمانی چون تقریباً در دامنه فرهنگ، امکانات و سنت‌های علمی آمریکایی رشد کرده است (از حدود بیست و دو سه سالگی) طبیعتاً متوجه خیلی از ویژگی‌های خاص محیط‌های علمی و دانشگاهی آمریکا در تفاوت با محیط‌های علمی دانشگاهی ایران نمی‌شود. چرا که وی، هم از مختصات و شرایط علمی امروز ما اطلاع مشروح و دقیق چندانی ندارد و هم در آن سمت خود همه چیز را خیلی طبیعی و کلی و همانی که می‌توانست باشد و هست می‌بیند که در نتیجه سخنی و نکته‌ای و روایتی برای گفتن و گزارش دادن ندارد. اما این درست یکی از چالش‌های مهم تلاش در سمت و سوی توسعه علمی در کشور ماست که فهم و بهره‌گیری از تجربیات برتر و موفق‌تر دنیا را در کمک به سازماندهی سازوکارهای درونی و سازمانی جوامع علمی ملی یک مسئله مهم و گاهی حتی فوری ساخته است. ما نیاز داریم تا در مقایسه دقیق و ریز مقیاس و نظیر به نظیری با مناسبات و روابط موفق و تجربه شده در محیط‌های علمی و آکادمیک سطوح برتر و پیشرفته جهان، مسائل و بنیاد قوت‌ها و ضعف‌های امروز علمی خود را هر چه بهتر و دقیق‌تر بشناسیم و در ترویج شیوه‌ها و قواعد بهتر و موفق‌تر در مجموعه کلان نظام علمی کشور همت گماریم.

یک پرسش گران سنگ

بی‌ارتباط با این نگاه نیست اگر یک نکته عمومی دیگر هم مطرح شود: سال‌های سال است که در این مملکت، از پیش از یک قرن و نیم پیش (دست کم از عهد امیرکبیر) یک پرسش مهم و تاریخی و در هر زمانی به زبان دوران خود مطرح است که کشور و ملت ما در کجای تاریخ تحولات تمدنی است؟ چرا عقب افتاده‌ایم و راه‌حل یا راه‌حل‌های آن چیست؟ طبیعتاً یکی از علت‌ها، فاصله گرفتن ما با دانش و نوآوریست. با این فرض یک پرسش مهم بعدی نحوه انتقال دانش و فناوری از کشورهای پیشرفته و شیوه بومی کردن و پایدار و مولدسازی آن است.

این پرسش گران سنگ البته پاسخ ساده و کوتاهی ندارد و هر چند در طی بیش از یک قرن و نیم گذشته پاسخ‌های نظری و عملیاتی و تجربی متعددی به آن داده شده است اما راست این است که بعد از این همه سال هنوز هم تکلیف، چندان روشن نیست و اجماعی نظری یا عملی در این باره موجود نیست.

به نظر نگارنده یکی از بهترین تدبیرها را در این مواجهه، امیرکبیر

پژوهانه‌های پژوهشی چگونه تعلق می‌گیرند و چگونه مدیریت و هزینه می‌شوند؟^۸. موضوع استقلال دانشگاه‌ها، استقلال علمی و تکثر و تنوع رشته‌ها و نسبت و مقایسه رشته‌های علمی در میدان چگونه فضایی رخ می‌دهند؟ چنین موضوعاتی از هر دو سونیازمند تشریح و تبادل نظرند تا منظور و مقصود پرسش‌ها و در نتیجه پاسخ‌های احتمالی به درستی معلوم گردند. مثلاً آیا درست است که رشته‌های ریاضی، شیمی، فیزیک و مهندسی از نظر طرح‌های تحقیقاتی متعلقه دولتی و خصوصی و یا تولید مستندات علمی با هم مقایسه شوند چنانچه در این جا معمول و رایج است.^۹ مدیریت اجرایی نهادهای علمی خُرد و کلان چگونه شکل می‌گیرند و چگونه متحول، ارزیابی یا جابجا می‌شوند؟^{۱۰}. سیاست‌گذاری‌های ملی و موضعی رشد و توسعه علمی تحت چه قواعدی انجام می‌گیرند؟^{۱۱}. تأسیس رشته‌های دانشگاهی، برنامه‌ریزی درسی، سرفصل نویسی و مفاهیمی مانند آن در نظام علمی کشوری مانند آمریکا چگونه سازمان داده می‌شوند و چه هماهنگی‌های ملی یا بین‌المللی راهنمای چنین تصمیم‌سازی‌هایی هستند؟

این نوع عناوین، سرفصل بخش کوچکی از چالش‌های مهم توسعه و ارتقاء علمی ما در دوران معاصر ایران است که برای حل و فصل بهتر آن‌ها نیازمند اطلاع بهتر و دقیق‌تری از تجربیات موفق بین‌المللی هستیم. به خوبی پیداست که پاسخ‌های اجمالی، کلی و رهنمودی به این کار نمی‌آیند. ما به پاسخ‌های تجربی، عینی، موضعی، مشروح و متنوع نیازمندیم. میدان هم که باز شود پرسش‌های دقیق‌تر، ریزتر و بهتر فراوان دیگری از جانب افراد بسیاری قابل طرح و بحث هستند. متأسفانه سعید قهرمانی و غالب علم پیشگان ایرانی ساکن آمریکا و اروپا هیچ‌گاه خود را مخاطب چنین پرسش‌های مهمی ندیده‌اند و در نتیجه سهم راهنمای مؤثری برای این گونه فهم و تفسیرها و گزارش‌هایی برعهده نگرفته‌اند.

شاید اگر؟

شاید اگر این گونه نیازهای تجربی با تصریح روشن و شفاف‌ی در طی میزگردها، مصاحبه‌ها و هم‌همکاری‌های نزدیک و مستمر تخصصی با ایشان مطرح گردد مسیر هموار مثبتی برای این گونه مراودات ارزنده نیز به دست آید. شاید که سعید قهرمانی یکی از هزاران نیروی منتظر ما در آن سوی آب‌ها باشد که منتظر دریافت پیغام‌ها و درخواست‌های روشنی از جانب ماست تا با افتخار و عزت، سهمی ممکن و ارزنده را در انتقال تجربه تمدنی برعهده گیرد.

یک شرح حال کوتاه

سعید قهرمانی هم‌اکنون رئیس کالج هنر و علوم در دانشگاه وسترن نیوانگلند است و البته پروفسور ریاضیات. این هم از آن

به پرسش پیشتر بازگردیم. درباره نحوه انتقال علوم و فناوری دوشیوه و دو راه حل ساده قابل ترسیم‌اند یکی به کار گرفتن گاه به گاه دانشمندان غربی و جهانی در مراکز علمی و پژوهشی کشور برای فراهم کردن فرصت انس و آموختن و انتقال تجربیات متقابل (که در کشور ما متأسفانه سال‌هاست که تقریباً منسوخ گشته است) و دیگری ثبت و نگارش و نشر و نقد و بحث و گفتگو و تحلیل تجربیات و آموخته‌های همه آدم‌هایی که همین‌جا به کار و حرفه علمی دانشگاهی مشغولند و در عین حال گاه به گاهی هم به مراکز علمی کشورهای توسعه یافته برای دوره‌های کوتاه و بلندمدت فرصت‌های مطالعاتی، شرکت در گردهمایی‌ها و کارگاه‌های علمی بین‌المللی و مانند آن می‌روند و تفاوت‌ها، ویژگی‌ها، امتیازها و تجربه‌های متفاوت را در مقایسه با شرایط محیطی خود می‌بینند و تشخیص می‌دهند.

پرسش‌ها

از این زاویه دید، فهم و تجربه دقیق و مشروحی از این جنبه‌ها برای ما مهم هستند:^۱. در جامعه علمی دانشگاهی یک کشور توسعه یافته (در این مثال آمریکا) دانشجویان با چه رویکردها و روش‌هایی جذب یک رشته دانشگاهی و تخصصی در دوره‌های عالی می‌شوند و انتظارات دقیق متقابل دانشجوی و محیط و کادر علمی از یکدیگر چیست؟ به طور خاص‌تر دانشجویان دوره‌های تکمیلی و دکتری چگونه جذب این دوره‌ها می‌شوند؟^۲. اصولاً نظام علمی جامعه آمریکا چگونه شکل گرفته است و این معنی که نظام متمرکز مدیریت علمی از نوع وزارت علوم برای دخالت، برنامه‌ریزی و تکلیف‌سازی هر ریز و درشت علمی وجود ندارد چیست و چگونه کار می‌کند؟ در دیگر جوامع پیشرفته علمی این سازوکارها چگونه هستند؟^۳. خصوصی‌گرایی و دولتی‌گرایی در آموزش عالی و تحقیقات آکادمیک، هر یک چه نقش و جایگاهی در جامعه آمریکا دارند؟^۴. نسبت دانشگاه‌ها با مراکز اقتصادی مستقل دولتی و خصوصی چگونه است چه از نظر تربیت کادر و نیروی کار متخصص مورد نیاز و چه از نظر انجام تحقیقات و مطالعات سفارشی و مانند آن^۵؟^۶. بخش‌های کارشناسی و خدماتی سازمان‌های علمی چه پشتیبانی‌هایی از فعالیت‌های علمی پژوهشی انجام می‌دهند؟^۷. شیوه‌های جذب هیأت علمی، تبدیل وضعیت و ارتقاء اعضای هیأت علمی به طور تجربی و تشریحی در دانشگاه‌های کشورهای توسعه یافته و آمریکا چگونه است؟ این ماجرا در ایران مسئله خیلی مهمی است که مسائل و پی‌آمدهای علمی بی‌شماری به همراه خود دارد یکی از آن‌ها تقریباً یکسان بودن روش ارتقاء برای همه رشته‌ها و همه دانشگاه‌هاست.^۷

^{۲۴} این گزارش را حتماً ببینید: شناخت دره سلیکون، یحیی تابش، محمد مراوتی، محمد اکبرپور (<http://www.roshdieh.org>)

۷۵ سالگی مجله MR

سمیه سعیدی نژاد*

این نوشته ترجمه مقاله زیر با ویرایش اندکی است

Norman Richert, Mathematical Reviews Celebrates 75 Years,
Notices of the AMS, December 2014, 1355-1356.

در ژانویه سال ۲۰۱۵ نشریه Mathematical Reviews ۷۵ سالگی انتشار خود را در سن آنتونیو جشن گرفت. این جشن در ساختمان انتشارات AMS در روز یکشنبه یازدهم ژانویه همراه با حضور تعدادی از دبیران اجرایی سابق مجله و وجود نمایشگاهی از انتشارات انجمن ریاضی آمریکا در حاشیه مراسم، برگزار گردید. باید اشاره کرد که شماره یک از دوره اول این مجله در ژانویه ۱۹۴۰ چاپ شد. نسخه چاپی و ماهانه مجله نیز با چاپ شماره دسامبر ۲۰۱۲ پایان یافت. امروزه نسخه الکترونیکی این نشریه به صورت روزانه در آدرس MathSciNet منتشر می شود.

مأموریت Mathematical Reviews یا به طور اختصار (MR) طی سال ها دست نخورده باقی مانده است: ایجاد دید جامعی از تحقیقات ریاضی چاپ شده تحت هدایت ریاضی دانان حرفه ای، چه به صورت هیأت تحریریه داخلی و چه به صورت نویسندگان و داوران خارجی. باید اذعان کرد که نویسندگان و داوران اختصاصی MR یک عامل کلیدی در کار این مجله هستند.

MR کار خود را در شهر پروویدنس در ایالت رود آیلند (Providence, Rhode Island) در سال ۱۹۳۹ آغاز نمود و چاپ اولین شماره مجله در ژانویه ۱۹۴۰ آماده شد. سردبیر مؤسس این نشریه اتو نوگه باور Otto Neugebauer به عنوان یک مورخ ریاضیات نیز شهرت داشت و در آن زمان استاد دانشگاه براون Brown University در شهر پروویدنس بود. تأسیس MR نتیجه مستقیم ناآرامی های اجتماعی در آلمان در دهه ۱۹۳۰ به دلیل ظهور نازیسم بود. نوگه باور قبل از آن مجله Zentralblatt für Mathematik را هم بنیان نهاده بود که MR از آن الگوبرداری شده بود. MR از سال ۱۹۶۵ تا به حال، یعنی ۵۰ سال از عمر ۷۵ ساله اش، را در میشیگان (Ann Arbor, Michigan) مستقر بوده است. محل MR از سال ۱۹۸۴ ساختمانی آجری و تاریخی است که در سال ۱۹۰۲ بنا شده است. داستان های جالبی از روزهای آغاز به کار مجله را می توان با مراجعه به سایت www.ams.org/publications/mrhistoryarticles مرور کرد.

در ابتدا MR یک نشریه ماهانه راه اندازی کرد. خیلی از ریاضی دانان قدیمی با نسخه جلد پرتقالی رنگ MR همراه و مأنوس بوده اند. نقطه کلیدی در موفقیت MR طی این سال ها افرادی بوده اند، که در تولید آن مشارکت داشته اند، به ویژه داوران

چیزهایی است که باید پرسید و فهمید که کالج هنر و علوم چگونه کالاجی است و ریاست یک ریاضی دان بر آن یعنی چی! وی دوره کارشناسی خود را در سال ۱۳۵۴ در دانشگاه صنعتی (شریف امروز) به پایان برد و دوره های تکمیلی و دکتری خود را در دانشگاه برکلی به انجام رساند. سعید قهرمانی هفده سال نخست اشتغال علمی خود را در دپارتمان ریاضی دانشگاه مریلند گذراند و همان جا به درجه دانشیاری و سپس استادی ریاضیات نائل آمد و جوایز ارزنده ای هم در توفیقات حرفه ای اش به دست آورد. سعید قهرمانی به غیر از ریاضیات و مسئولیت های اجرایی متعدد در مراکز علمی، دستی هم در ذوق هنری و ادبیات دارد و شاید که به همین دلیل هم اکنون رئیس دپارتمان هنر و علوم است. وی به هنگام شرکت در بیست و پنجمین کنفرانس ریاضی کشور در سال ۱۳۷۳ در دانشگاه صنعتی شریف به غیر از سخنرانی تخصصی یک سخنرانی عمومی هم با عنوان «جهان بینی ریاضی گونه در شعر حافظ» ایراد کرد که مورد استقبال قرار گرفت و متن آن بعداً در مجله ادبیات به چاپ رسید. وی تجربیات جدی دیگری هم در میدان ادبیات دارد که مستندات و شرح آن از طریق صفحه وب (<http://mars.wnec.edu/~sghahram/>) وی در دسترس است.

* دانشگاه زنجان



مجموعه نرم افزاری یکتاوب و پایگاه اینترنتی همایش های

انجمن ریاضی ایران راه اندازی شد

پس از مطالعه و بررسی سامانه های گوناگون موجود جهت استفاده همایش های انجمن، سامانه یکتاوب انتخاب شد. در حال حاضر سامانه ۸مین سمینار هندسه و توپولوژی و دومین سمینار نظریه عملگرها و کاربردهای آن در حال بهره برداری است. قرار است سامانه ۴۷مین کنفرانس ریاضی ایران نیز از طریق انجمن ریاضی ایران توسط این شرکت طراحی شود. جهت یکپارچگی گردآوری تمام همایش ها در یک فضا، مقرر شد از این پس کلیه همایش ها در این سامانه طراحی شوند. توضیحات کامل تری در این خصوص در منزلگاه انجمن درج شده است. از مسئولین محترم همایش های پیش رو خواهشمند است جهت هماهنگی با دبیرخانه انجمن ریاضی ایران تماس حاصل نمایند.

اکرم صادقی

رئیس دبیرخانه انجمن ریاضی ایران